

واژه‌نامه مهندسی مکانیک (۸)

دکتر کاظم ابهری

Carburetor icing	از
Centimeter of mercury	تا

<p>Carnot engine موتور کارنو موتور بی مالش ایده آل، که با چرخه کارنو کار می کند.</p>	<p>یخزایی کاربوراتور تشکیل یخ در کاربوراتور موتور در پی سرد شدن انبساطی و تبخیر بنزین.</p>
<p>Carnot number عدد کارنو ویژگی از دو گرمایز، برابر با بازده کارنو موتوری که میان آن دو گرمایز کار می کند.</p>	<p>Cardan joint → Hooke's joint</p>
<p>Carnot's theorem قضیه کارنو ۱ - قضیه ای که می گوید موتورهای کارنو که میان دو دمای داده شده کار کنند همبازده هستند، و هیچ موتور حرارتی چرخه ایی که میان آن دو دما کار کند از موتور کارنو پُر بازده تر نخواهد بود. ۲ - قضیه ای که می گوید هر سیستم دو ویژگی دارد، دمای ترمودینامیکی T و آنتروپی S، به گونه ای که گرمای داد و ستد شده در یک فرایند بینهایت کوچک برگشت پذیر از دستور $dQ = TdS$ به دست می آید؛ دمای ترمودینامیکی تابعی است اکیداً افزایش یابنده از دمای تجربی، دمایی که با مقیاس دلخواه اندازه گیری می شود.</p>	<p>میل کاردان محوری با لولای همه سوگرُد در سر آن، این لولا با زاویه متغیر محور همسازی می کند.</p>
<p>Carpenter's level تراز بخاری میله ای آلومینیمی یا چوبی دارای تراز الکلی.</p>	<p>آویزش کاردان حلقگانی که جسم سنگینی بر آنها چنان سوار شده است که گویی یک نقطه اش ساکن است؛ این دستگاه معمولاً در چرخشما به کار می رود.</p>
<p>Carriage bolt پیچ سر گرد با گردن چهار گوش که از سرتاسر سوراخ می گذرد و با مهره بسته می شود.</p>	<p>واگنکجک (واگن کج کن) - واگنچرخان هر یک از چند فزاره ای که با چرخاندن یا کج کردن واگنهای صنعتی یا راه آهن بار واگنها را تخلیه می کند.</p>
<p>Carriage stop فزاره ای در سر راه میز ماشین تراش برای فاصله بندی دقیق شیارها، تراشیدن قطر ها و طولهای چندگانه، و قطعه بُری با کلفتی معین.</p>	<p>بالابر طبلیکی ماشین بالابر برقی که طنکی دارد که زنجیر یا طناب، در هنگام بالا بردن بار، به دور آن می پیچد.</p>
<p>Carrier هر ماشین باربری یا مسافربری.</p>	<p>چرخه کارنو چرخه فرضی که از چهار فرایند برگشت پذیر بی در پی درست شده است: گسترش تکدما و گرمافزایی، گسترش آنتروپی ثابت، فشارش تکدما و گرمادهی.</p> <p>بازده کارنو بازده موتور کارنو که گرما را در دمای مطلق T_1 می گیرد و در دمای مطلق پایینتر T_2، پس می دهد؛ این بازده برابر است با $(\frac{T_1 - T_2}{T_1})$.</p>

<p>Castellated nut مهره‌ای شش گوش که بخش بالایی آن استوانه‌ای است و در این بخش شیارهایی دارد تا بتوان اشپیل یا سیم ایمنی را از آنها گذراند و مهره را در جای خود نگهداشت.</p>	<p>Carrier rocket خودرو موشکی که برای حمل چیزی به کار می‌رود، مانند خودرو موشکی نخستین ماهواره زمین.</p>
<p>castigliano's principle → castigliano's theorem اصل کاستیگلیانو</p>	<p>Cartographic satellite ماهواره نقشه برداری ماهواره‌ای که برای تهیه نقشه رویه زمین و نیز کشتنمای آن به کار می‌رود.</p>
<p>castigliano's theorem قضیه کاستیگلیانو قضیه‌ای که می‌گوید: مولفه واخمش نقطه اثر نیروی خارجی کاری بر یک جسم کشسان در هر راستا، برابر است با مشتق جزئی کار دگرذیسی نسبت به مولفه نیرو در همان راستا. این قضیه به اصل کاستیگلیانو نیز شناخته شده است.</p>	<p>cartridge actuated initiator قطعه تاملین کننده فشار گاز برای راه انداختن اجزاء گوناگون هواپیما مانند بازکننده سرپوش خلبان نشین، فواره کنترل و پرتابانه.</p>
<p>casting strain گرش ریختگی گرشی که از پی سرد کردن جسم ریخته‌گری شده در آن پدیدار می‌شود و تنش ریختگی پدید می‌آورد.</p>	<p>cartridge starts راه انداز انفجاری فزاره‌ای انفجاری که، هنگامی که در موتور کار می‌گذارند و منفجر می‌شود، پیستونی را می‌جنباند و از این راه موتور را به کار می‌اندازد.</p>
<p>casting stress تنش ریختگی تنشی که از شکل هندسی جسم ریخته‌گری شده و نیز انقباض آن در اثر سرد شدن در جسم ریختگی پدید می‌آید.</p>	<p>cascade control کنترل زنجیره‌ای دستگاه کنترل خودکاری که در آن واحدهای گوناگون کنترل پشت سر هم به یکدیگر بسته می‌شوند، هر واحد کنترل کار واحد بعدی را تنظیم می‌کند.</p>
<p>Cast setting → mechanical setting</p>	<p>Cascade pulverizer کلو خاسیاب چرخان خرد کننده چرخانی که در آن، برای خرد کردن، از کلو خه‌های درشت بهره‌گیری می‌شود.</p>
<p>cat - and - mouse engine موتور چودی موتور چرخانی همکر دار با موتور پیستونی آرو، جز اینکه پیستونهایش حرکت دایره‌ای دارند.</p>	<p>casing آتشبند پوشش ضد آتش که برای محافظت بخشی از واحد تولید بخار، و یا همه آن، به کار می‌رود.</p>
<p>catapult پرتابانه ۱ - ماشین یا فزاره‌ای موتوری برای پرتاب جسمی با سرعت زیاد، مثلاً فزاره پرتاب هواپیما از عرشه کشتی. ۲ - فزاره‌ای، معمولاً انفجاری، برای بیرون پراندن انسان از هواپیما.</p>	<p>casing nail میخ چمدان ساز میخی که کلفتی آن کمابیش نصف کلفتی میخ معمولی همطول خودش می‌باشد.</p>

<p>cavitation</p> <p>شکلگیری حفره‌های گاز یا بخار در مایعات با نیروهای مکانیکی، این پدیده در شکل گسترده خود جابزایی آب جوشان و گازدهی نوشابه‌های گازدار را نیز در بر می‌گیرد. این پدیده بویژه به شکلگیری حفره‌های بخار در درون مایعات، یا در مرز تماس مایع تبخیر شده روان با جسم جامد گفته می‌شود که در آنجا فشار، بی‌آنکه دمای محیط تغییر کرده باشد، تا اندازه بحرانی کاهش می‌یابد.</p>	<p>cataracting</p> <p>حرکت مواد خرد شده در آسیاب گلوله‌ای که بخشی از آن از فراز انبوه بار درون آسیاب با ضربه به پای مواد فرو می‌ریزد.</p>
<p>cavity radiator</p> <p>فضای بسته گرم شده‌ای که از دهانه کوچک آن بخشی از تابش درون به بیرون، و نیز تابش بیرون به درون، راه می‌یابد؛ تابش راه یافته به بیرون کم و بیش همان تابش جسم سیاه است.</p>	<p>Caterpillar</p> <p>خودروی مانند تراکتور یا تانک که بر روی دو تسمه بی‌پایان، یک تسمه در هر سو، حرکت می‌کند، تسمه، از تکه‌های تخت ساخته شده و با چرخهای دنداندار به جنبش در می‌آیند.</p>
<p>CAVU</p> <p>اصطلاح عملیاتی رایجی در هواپیمائی، نشانگر وضعی که از ارتفاع بیش از ۱۰۰۰۰ فوتی (۳۵۴۸ متری) بالای زمین می‌توان اشیاء برجسته روی زمین را دید و تشخیص داد و ارتفاع دید بیش از ۱۰ میل (۱۶ کیلومتر) است. این واژه نامچه ceiling and Visibility unlimited است.</p>	<p>caterpillar chain</p> <p>تسمه کوتاه بی‌پایانی که دانه‌های آن چنان آراسته شده است که بتواند با نقاله درگیر شود.</p>
<p>Ceiling and visibility unlimited → CAVU</p>	<p>cauchy number</p> <p>عدد کوشی عدد بی‌بعدی برای مطالعه جریان فشار پذیر، برابر با حاصل ضرب چگالی سیال در مجذور سرعت آن، بخش بر ضریب تودگی آن. این کمیت را به عدد هوک نیز می‌شناسند.</p>
<p>ceiling ballon</p> <p>بالن کوچکی برای تعیین بلندای سطح زیرین ابر از زمین؛ این بلندای از روی سرعت بالا رفتن بالن و زمانی که تا ناپدید شدن آن در ابر سپری می‌گردد حساب می‌شود.</p>	<p>caulking iron</p> <p>اتوی درزبندی ابزاری برای پوشاندن درزها با مواد آبنندی کننده.</p>
<p>celo</p> <p>سلو یکه شتاب، برابر با شتاب جسمی که سرعت آن در هر ثانیه با آهنگ یکنواخت ۱ فوت بر ثانیه (۰/۳۰۴۸ متر بر ثانیه) تغییر می‌کند.</p>	<p>causality</p> <p>علیت اصلی در مکانیک کلاسیک که می‌گوید: در هر زمان، متغیرهای دینامیکی دستگاه و نیروهای بیرونی کاری بر آن، متغیرهای دینامیکی دستگاه در آینده را کاملاً تعیین می‌کند. این را اصل جبر (به معنای فلسفی آن) نیز می‌نامند.</p>
	<p>causal system</p> <p>دستگاه فیزیکی دستگاهی که پاسخ آن به دروینده کنونی، به اندازه‌های آینده آن دروینده بستگی ندارد.</p>

Centerless grinder ماشین فلز سنگزنی استوانه‌ای شکل که قطعه کار را میان دو چرخ سمباده خود بر روی یک تکیه‌گاه یا تیغه نگه می‌دارد.	ceisius degree درجه سلسیوس یکه دما برابر با کلوین.
center of attraction رُباشگاه نقطه‌ای که نیروی کاری بر یک جسم یا ذره (مانند نیروی گرانشی یا نیروی ایستاترکی) همواره روبه سوی آن دارد؛ اندازه این نیرو تنها به فاصله جسم یا ذره از این نقطه بستگی دارد.	ceisius temperature scale مقیاس دمای سلسیوس مقیاس دما که در آن دمای t_c به درجه سلسیوس ($^{\circ}C$) با همان دما به کلوین با دستور $T_k = t_c + 273.15$ مربوط می‌شود؛ در فشار جو استاندارد نقطه انجماد آب بسیار نزدیک به $0^{\circ}C$ و نقطه جوش آن بسیار نزدیک به $100^{\circ}C$ است. این مقیاس پیش از این به مقیاس دمای ساتیگراد شناخته می‌شد.
Center of buoyancy مرکز شناوری - مرکز سبکی نقطه‌ای که برآیند نیروهای کاری بر جسم غوطه‌ور یا شناور در یک مایع ساکن روبه سوی آن دارد؛ این نقطه در جرمگاه حجم مایع جایجا شده است.	cement gun سیمانزن ۱- ماشینی برای همزنی و نمزنی ساروج نسوز و مالیدن آن به دیوارهای کوره‌های داغ. ۲- فزاره‌ای مکانیکی برای سیمانکاری دیوارها و بام دهانه‌های معدن و یا دیوارهای ساختمان.
Center of force مرکز نیرو - نیروگه نقطه‌ای که نیروی مرکزی از آن و یا به سوی آن کارگر می‌آید.	cement injector —→ cement gun
Center of gravity گرازشگاه نقطه‌ای که در هر جسم که برآیند نیروهای گرانش از آن می‌گذرد.	Cement mill اسباب سنگ - سنگ بودرکن اسباب سنگ بودرکن، برای سیمانسازی.
Center of inertia —→ center of mass	Cement pump سیمانزن - پمپ سیمان - تلمبه سیمان فزاره‌ای پیستونی برای راندن سیمان در درون لوله.
Center of lift فرازشگاه مرکز فشارگاههای جسم آئرودینامیکی.	Centare —→ centiare
Center of mass جگمه‌گاه نقطه‌ای از جسم یا جسمکارت که چنان حرکت می‌کند که گوییم همه جرم دستگاه را در خود انباشته دارد و همه نیروهای بیرونی کاری بردستگاه بر آن کارگر شده‌اند.	center gage سابلون سنجه‌ای که برای بازیابی زاویه‌های چون زاویه لبه تراش ابزار، زاویه لبه ورودی یا وضعیت زاویه‌ای تراش ابزار به کار می‌رود.
Centering machine ماشینی که قطعه کار را سوراخ و دهانه سوراخ را قیفی شکل می‌دهد تا برای تراشکاری روی ماشین تراش آماده	Centering machine ماشینی که قطعه کار را سوراخ و دهانه سوراخ را قیفی شکل می‌دهد تا برای تراشکاری روی ماشین تراش آماده

<p>center of twist پیچشگاه نقطه ای بر روی خطی موازی با آسه تیر، که هر نیروی عرضی جلوگیری کننده از پیچش برشگاه تیر باید از آن نقطه بر تیر کارگر شود.</p>	<p>Center of mass coordinate system دستگاه مختصات جرمگاهی دستگاه مختصاتی که با سرعت جرمگاه حرکت می کند، از اینو جرمگاه در این دستگاه ساکن است و تکانه کل نسبت به آن صفر است. آن را دستگاه مختصات تکانه گاهی نیز می نامند.</p>
<p>center plug مبدل گردالماس نشانی که در دهانه گرد سرمت حفاری فرو می شود و آن را به سرمت غیر حفاری تبدیل می کند.</p>	<p>center of oscillation نوسانگاه نقطه ای از آونگ فیزیکی، بر روی خط گذرا بر آویزشگاه و جرمگاه آن، که چنان حرکت می کند که گویی همه جرم آونگ را در خود انباشته دارد.</p>
<p>center punch سنه نشانی که زاویه نوک آن نزدیک به 90° است و برای بزرگ کردن نشانه و یا سوراخی که با سنه نشان نوک تیز زده شده است به کار می رود.</p>	<p>center of percussion ضربه گاه اگر در نقطه O بر جسم سختی که می تواند آزادانه حرکت صفحه ای داشته باشد ضربه ای کارگر شود و خط اثر نیروی ضربه برخطی که از O و جرمگاه می گذرد عمود باشد، حرکت جسم با چرخش به دور نقطه ای که ضربه گاه نسبت به نقطه O نامیده می شود آغاز می گردد؛ می توان نشان داد که اگر جسم از O آونگ شود این نقطه [ضربه گاه] همان نوسانگاه آن خواهد بود.</p>
<p>center square مرکز یاب دایره ابزاری دارای یک لبه صاف و یک گونیای لغزنده، برای مرکز یابی دایره.</p>	<p>center of pressure فشارگاه برخوردگاه و تر برشگاه آئرو دینامیکی با خط اثر برانید نیروهای هوا بر برشگاه.</p>
<p>centiare ساتتیار یکه مساحت، برابر با ۱ متر مربع.</p>	<p>center of pressure coefficient ضریب فشارگاه نسبت فاصله فشارگاه از لبه جلو جسم آئرو دینامیکی به درازای و تر برشگاه آن.</p>
<p>centibar ساتتیار یکه فشار برابر با 0.01 بار یا 1000 پاسکال.</p>	<p>center of suspension آویزشگاه برخوردگاه آسه چرخش آونگ با صفحه ای که از جرمگاه آونگ بر آسه چرخش عمود شود. م</p>
<p>centigrade heat unit یکه انرژی گرمایی، برابر با 0.01 گرمایی که دمای اپوند آب هواگیری شده را در فشار اجوا استانده از 100°C می رساند؛ برابر با $1900/44$ ژول. این یکه را با CHU، که درستتر آن CHU_{mean} است، نمایش می دهند.</p>	
<p>Centigrade temperature scale \longrightarrow Celsius temperature scale</p>	

centigram	سانتیگرم
cg	یکه جرم برابر با ۰/۰۱ گرم یا 10^{-5} کیلوگرم. کوتاه شده آن است.
centihg	→ centimeter of mercury
centiliter	سانتیلیتر
	یکه گنجایش برابر با ۰/۰۱ لیتر یا 10^{-5} متر مکعب.
Centimeter	سانتیمتر
	یکه درازا برابر با ۰/۰۱ متر. کوتاه شده آن cm است.
centimeter of mercury	سانتیمتر جیوه
	یکه فشار برابر با فشار ستونی از جیوه به بلندای ۱ سانتیمتر با به حساب آوردن $13/5951$ گرم بر سانتیمتر مکعب چگالی جیوه و شتاب گرانی استاندارد ($980/665$) سانتیمتر بر مجذور ثانیه؛ این فشار برابر با $1333/22387415$ پاسکال است و از دکاتور [یکه فشار برابر $\frac{1}{76}$ جو] به اندازه $1 \div 7,600,000$ کمتر است. کوتاه شده آن cmHg است.